

ارزیابی دوباره نگارش آغازین در ایران^۱

یاکوب دال

استاد دانشگاه آکسفورد

مترجم: پارسا دانشمند

دانشجوی کالج ولفسن دانشگاه آکسفورد

چکیده

ورود اولیه ابزار شمارشی پیش - نگارشی از جنوب عراق به ایران که در طول دوران گسترش اوروک در نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد اتفاق افتاد، به ابداع نظام نگارشی بومی و کوتاه مدتی منجر شد که به طور معمول "پرتو - عیلامی" خوانده می‌شود. نظام نگارشی دیگری که منحصر به فرد به نظر می‌آید و به شکل سنتی "عیلامی خطی" نامیده می‌شود، در همان منطقه، حدود هزار سال بعد ابداع گردید. در پی این مقاله تشریح خواهد شد، در حالی که خط "پرتو - عیلامی" به واسطه برخورداری بودن از یک نظام واقعی پیش - نگارشی، قابلیت رمزگشایی دارد، "عیلامی خطی" فاقد چنین امکانی است. همچنین در ادامه نشان داده خواهد شد که بعید است "عیلامی خطی" نمایانگر یک نظام واقعی نگارشی باشد بلکه مجموعه‌ای درهم ریخته از متون ساختگی با نشانه‌های غیر استاندارد است که به طور تصادفی با توجه به محل خود و نه لزوماً زمان خود، گروه‌بندی شده است.

واژه‌های کلیدی

ابداع نگارش، تاریخ آغازین ایران، شیوه‌های نگارشی مجموعه‌های محدود، گسترش نگارش، نگارش کاذب.

استفاده گسترده از خط معمولاً به مثابه یکی از مختصات جوامع شرق نزدیک باستان شناخته می‌شود. در نتیجه، هر مجموعه منحصر به فردی از نشانه‌ها، به انضمام علائم روی سفال‌ها و کتیبه‌های تک‌متنی، خواه بومی باشد یا به وام گرفته شده، اگر به تاریخی پس از ابداع خط در بین‌النهرین مرتبط باشد، ذیل عنوان نظام نگارشی تازه‌ای طبقه‌بندی می‌شود.^۲ پیش از ابداع ابجد و خط الفبایی (آرامی)، در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد و قبل از این که خط میخی منحصر به فردی برای نگارش فارسی باستان در عهد داریوش ابداع شود، خط میخی به گستردگی برای نوشتن زبان‌های سومری و اکدی و عیلامی کاربرد داشت. پیش از ظهور خط میخی، دبیران ایرانی هر چند کوتاه‌مدت، از نظام وسیع و استثنایی نگارش پرتو-عیلامی استفاده می‌کردند. اما وجود شیوه دیگری از خط که عیلامی خطی خوانده می‌شود، موضوع مقاله حاضر است.

امروزه تاریخ ابداع خط در بین‌النهرین و ایران غربی به خوبی شناخته شده است (Damerow, 2006; Le Brun and Vallat, 1978; Nissen et al. 1993) و می‌توان شرح وقایع ساده‌ی حادثی را که به ابداع خط منتهی شد، مطرح کرد: ابتدا «توکن»‌های ساده (= ابزار شمارش)، در طی هزاران سال پیش از ابداع خط، به مثابه ابزار موقتی حسابداری به کار می‌رفت؛ در طول نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد، زمانی که توکن‌ها در پاکت‌های گلی گذاشته شدند، بیش از دو تکنیک حسابداری به منصفه ظهور رسید که با مهر کردن و گاه نقش کردن توکن‌های درون پاکت بر روی سطح آن به استكمال رسید و سرانجام، الواح مسطحی ابداع شد که توکن‌ها بر روی آن‌ها نقش می‌شد و با استفاده از نوک گرد ابزار نوشتاری، نقوش آن‌ها بر سطح‌شان ثبت می‌شد (در خصوص ارتباط میان به اصطلاح توکن‌های پیچیده با دوره آغازین نگارش، هنوز مباحثات بر جای خود باقی است) (Englund, 1993; Michalowski, 1993). این ابزار حسابداری مقدم بر کتابت، به وسیله‌ای پیش‌نگارشی بدل شد که به واسطه آن داده‌هایی که سابقاً به شکل ضمنی

به آن اشاره می‌شد یا به حافظه سپرده می‌شد، به کمک شمار محدودی از نشانه‌های غیر عددی انتقال یافت. این نشانه‌ها مقدماتاً نمایانگر اشیا و همچنین صاحبان کالاها بود. به طور معمول، این کهن‌ترین نمونه‌های نگارش، الواح عددی - ایده‌نگاری نامیده می‌شود (Englund, 1998: 51-56).

از آنجا که نشانه‌های محدود غیر عددی، همان نشانه‌های نمادی است که بیانگر اشیا است، تمیز تفاوت میان الواح عددی - ایده‌نگاری بین‌النهرین و ایران، کاری دست کم دشوار است (Dahl, 2005a: 82).^۳ با گسترش ناگهانی نظام نشانه‌ای و افزایش پیچیدگی متن‌ها در طول دوران اوروک ۴ و ۳ در بین‌النهرین و نظام نگارشی پرتو-عیلامی به مثابه همتای ایرانی آن، خط ابداع شد.

۲. پرتو - عیلامی

در ابتدای دوره حفاری‌های فرانسویان در شوش (جنوب غربی ایران)، بیش از ۱۶۰۰ متن و قطعاتی به دست آمد که فوراً به عنوان یکی از قدیم‌ترین نظام‌های نگارشی شناخته شد. چون این متون ایرانی را مربوط به پیش از تاریخ می‌پنداشتند، لفظ پرتو-عیلامی بر آن اطلاق کردند و به شکل عجولانه‌ای آن را یک نظام نگارشی بومی عیلامی و متعلق به زبانی که بعداً به طور فرضی نام «انسانی» خوانده شد، قلمداد کردند. در ابتدا، همه متون غیر میخی یافته‌شده از شوش، ذیل این نام طبقه‌بندی شد. هر چند تا کنون هیچ نظام نگارشی عیلامی پیدا نشده است و هر چند امروزه این نام به زبان متون میخی که پس از آن پدیدار شد، اطلاق می‌شود، عنوان پرتو-عیلامی فعلاً به مثابه بهترین اصطلاح، همچون نامی قراردادی برای کهن‌ترین متون بومی ایرانی باقی مانده است. متون پرتو-عیلامی از مکان‌های مختلفی در ایران به دست آمده است و برخی از آن‌ها در ضمن حفاریات علمی باستان‌شناسی یافته شده است. با این همه بر حسب داده‌های رادیوکربن، الواح پرتو-عیلامی را فقط می‌توان با اطمینان متعلق به حدود ۳۰۰۰-۳۳۰۰ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری کرد.^۴

مندرجات همه الواح پرتو-عیلامی، موضوعات اداری است.

این مساله بر خلاف کهن‌ترین متون بین‌النهرین، حسب نحوه آرایش اطلاعات بر روی سطح الواح مشخص نمی‌شود.^۵ بلکه متون پرتوعیلامی به شکل غلط‌اندازی، به شیوه سطرّی دوران پسین نوشته شده است. جدای از اطلاعات اداری مندرج در عنوان و متن، همه متون پرتوعیلامی را می‌توان به مدخل‌هایی متشکل از نشانه‌های عددی که نشانه‌های غیر عددی مقدم بر خود را تعریف می‌کنند، تقسیم کرد (Englund, 2004: 105). این بخش‌های غیر عددی در هر مدخل جداگانه، ممکن است که از داده‌هایی در خصوص یک شیء شمرده‌شده و نیز اطلاعاتی در باب صاحب آن شیء شمرده‌شده (در گسترده‌ترین مفهوم آن) تشکیل شود. هر دوی این‌ها از زمینه متن قابل دریافت و استنباط است. نشانگان پرتوعیلامی دربرگیرنده ۱۷ نشانه عددی پایه (Dahl, 2005a: 124) و ۱۴۰۰ نشانه غیر عددی است. در حالی که نشانگان عددی نسبتاً به خوبی مشخص شده است، احصای نشانگان غیر عددی به طور مقدماتی بر پایه جستجو و مطابقت حدود دو سوم مدارک موجود است. در حال حاضر فقط می‌توان طبقه‌بندی‌های بسیار اولیه معنایی نشانگان را همچون نشانه‌های عددی، نشانه‌های بیان‌کننده صاحب شیء، موضوع نشانه‌ها، و نشانه‌هایی را که به شکل پیچیده‌ای صاحبان اشیا را معلوم می‌کند از یکدیگر تفکیک کرد. ممکن است برخی از ردیف‌های غیر عددی نشانه‌ها به طول قابل توجهی در برخی متن‌های متأخر برسد به طوری که وجود شش تا ده نشانه در هر واحد، امر بعیدی نیست. به نظر می‌رسد که بخش‌هایی از این رشته‌ها یا قسمت‌هایی از آن که به اشیا دلالت ندارد، به شکلی پیچیده بر صاحبان اشیا دلالت دارد. تنها بخش محدودی از نشانه‌ها (شاید حدود ۱۰۰ نشانه) به این شیوه برای نمایاندن صاحبان به کار رفته است. از این رو می‌توان فرض کرد که با عنایت به الگوی تکراری این نشانه‌ها، نظام نگارشی پرتوعیلامی در متأخرترین مرحله کاربردش، فهرستی را پدید آورده بود که نشانه‌های گرافیکی و ارزش آن‌ها هنوز یک‌دست و استاندارد نبود (Dahl, 2005a; 2005b; Meriggi, 1969; 1971: 338-39). توجه به این نکته

مهم است که شکل این فهرست بر پایه ویژگی‌های «اشکال مصور» نیست، بلکه برخی از نشانه‌ها به مثابه اشیا و بیش‌تر آن‌ها کاملاً انتزاعی است. در شکل ۱، هیچ یک از نشانه‌های هجایی، نه به شکل واضح برای نشانه‌های اشیا به کار رفته است و نه روشن است که هر یک مرجع شکل‌نگاری دارد یا خیر؟

از آنجا که متون پرتوعیلامی مراودات اداری را در چارچوبی فرهنگی و اقتصادی ضبط کرده است که چندان برای ما غریب نیست، و از آنجا که دبیرانی که این متون را نوشته بودند، تکنیک‌های حسابداری معینی (به طور مشخص، سیستم‌های شمارشی با مندرجات معین) را از همسایه‌های غربی در بین‌النهرین به ارث برده بودند، ما اینک قادر هستیم که مندرجات بسیاری از این متون را رمزگشایی کنیم. در سال ۱۹۷۸-۱۹۷۹ یوران فریبرگ ریاضیدان سوئدی رمزگشایی اولیه از یک گروه از متون را بر پایه مقدار محصولات غلات به‌دست‌آمده از این متون و با استفاده از سیستم‌های شمارشی معین و تشابه با متون بین‌النهرینی پیشنهاد کرد (Friberg, 1978-79). بر اساس نتایج فریبرگ و کار پروژه برلین - اوروک که اینک به نام CDLI شناخته شده است،^۶ پیتر دامرو و رابرت انگلند چند سال دیرتر، شناسایی شماری از نشانه‌ها را به همراه رمزگشایی تقریباً کاملی از دو گروه از متون بر پایه محصولات هم‌ارز و مقایسه با متون بین‌النهرینی و مدارک داخلی ارائه کردند (Damerow et al. 1989). من در مقاله اخیرم، یک رمزگشایی اولیه از ترمینولوژی گوسفند و بز در متون پرتوعیلامی شوش ارائه دادم. رمزگشایی من بر پایه مشاهدات متعددی همچون بزرگی گله، ارتباط میان نرها و ماده‌ها در گله، شمار بچه‌ها، ارتباط میان ماده‌های بالغ و تولیدات شیر تصفیه‌شده و همچنین مقایسه با عملیات حسابداری بین‌النهرینی بنا شده است (شکل ۲a را برای نشانه‌های جانوران گله‌ها و شکل ۲b را برای نشانه‌های اندکی از تولیدات ببینید) (Dahl, 2005a).

پژوهش‌های باستان‌شناسی اخیر حاکی از آن است که بسیاری از محوطه‌های مهم در سراسر ایران در حدود ۲۸۰۰

MDP 06,353	o. 5:							
MDP 06,355	o. 2:							
MDP 06,356	o. 3:							
MDP 06,5242	o. 36:							

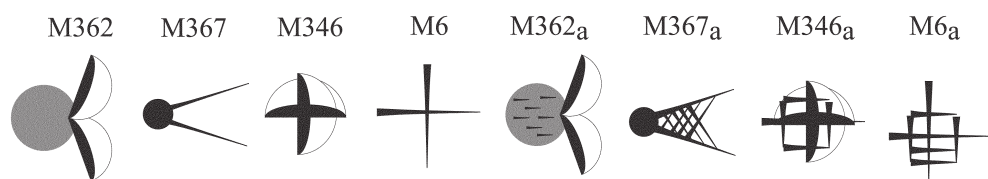
شکل ۱. هجاهای پرتو-عیلامی: نمونه‌هایی از رشته نشانه‌های M۹۷hM۴M۲۱۸ که در حدود پانزده متن عیلامی پیدا می‌شود. نشانه‌های مذکور پیش از ترکیبات متفاوت نشان‌هایی که ناظر بر بخش‌های اداری است (M210g M305 M388 M146) و پس از نشانه‌های ناظر بر اشیاء و اقلام شمرده‌شده، قرار می‌گیرد (M۳۴۶: گوسفند؛ دو مثال از M۲۶۳: بطری آبجو؛ و یک مورد که از متن می‌توان دریافت، ناظر به اندازه‌گیری غلات است)، و سرانجام نشانه‌های توصیفی شمارشی (همچون 2N₁; 1N₁; 1N₁; 1N₁ 4N_{39b}; (IN₂₄ 2N_{30c}).









Sb22286+22480+22534

ب) ترتیب نشانه‌ها: بالغ‌ها پیش از جوان‌ترها؛ بزها پیش از گوسفندها (به علت تولید بیش‌تر شیر) (شکل ۲-الف).
ج) تفکیک نشانه‌ها: هاشور نمایانگر تفاوت معنایی است همچون بالغ‌ها در برابر جوان‌ترها.
د) مقایسه با نظام پرتومیخی: بیش‌تر شکل‌ها و مفاهیم (ترتیب و تفکیک) در هر دو نظام یکسان است.

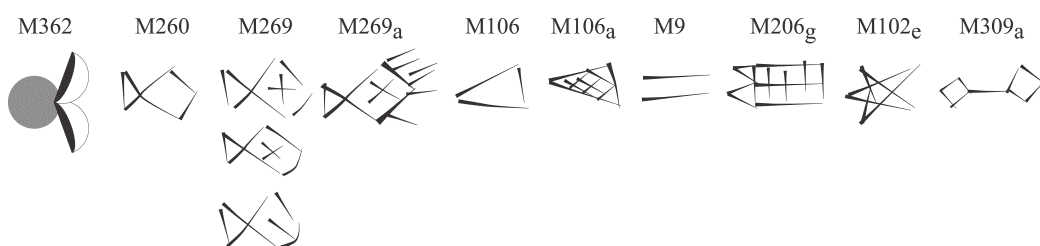
پیش از میلاد متروک شده است. آن محوطه‌ها تا پیش از پایان هزاره سوم دوباره مسکونی نشده است. با این همه، اتفاق نظری در این خصوص که چگونه داده‌ها را دریابیم وجود ندارد. اینجا تنها می‌توانیم توجه داشته باشیم که هیچ نمونه‌ای از نگارش در ایران در فاصله زمانی ناپدید شدن سیستم نگارشی پرتو-عیلامی در حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد و آغاز خط میخی در حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰ پیش از میلاد وجود ندارد (شکل ۱).

الف) فهرست جانوران در متن (MDP17,96+325+380))



	age \ sex	females	males
Goats	adults	M362 	M367 
	juveniles	M362 _a 	M367 _a 
Sheep	adults	M346 	M6 
	juveniles	M346 _a 	M6 _a 

شکل ۲ الف. رمزگشایی نشانه‌های گوسفند و بز، چنان‌که از مراحل مختلف فرآیند مزبور برمی‌آید.

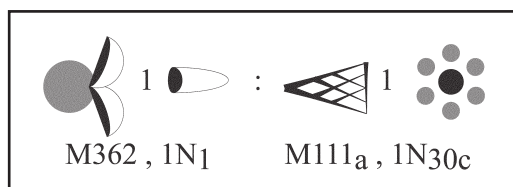






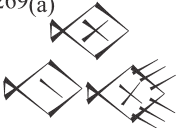
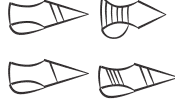

است.

(د) مقایسه با نظام پرتو-میخی: بیش‌تر شکل‌ها و مفاهیم (ترتیب و تفکیک) در هر دو نظام یکسان است.
 (ه) نسبت تولیدات: میزان تولید ثابت (اثبات‌شده با داده‌های قیاسی)
 یک بز ماده دو لیتر پنیر خشک در سال تولید می‌کند.

(ه) رمزگشایی پیشنهادی

الف) فهرست تولیدات در متون MDP) 6353 و Sb22276
 (17, 85, 97):
 ب) ترتیب نشانه‌ها: تولیدات فهرست‌شده به ترتیب اهمیت محصولات لبنی (شکل ۲-ب).
 ج) تفکیک نشانه‌ها: هاشور بیانگر تفاوت در شیر بز و گوسفند



Product Base	Butter oil		Dry cheese	
	Susa	Uruk	Susa	Uruk
Sheep's milk	M260 	KISIMa 	M106 	GA'ARa 
Goat's milk	M269(a) 	KISIMb 	M106a 	(only attested for dairy cattle)

شکل ۲. رمزگشایی نشانه‌های برخی تولیدات گله گوسفند و بز، چنان‌که از مراحل مختلف فرآیند سابق‌الذکر برمی‌آید.

و) رمزگشایی پیشنهادی

۳. عیلامی خطی

مقارن با عصر آغاز به کار گرفتن خط میخی برای نگارش اکدی، سومری و عیلامی، شمار اندکی اشیاء در دست است که با خطی مکتوب شده است که پیش از این یا به مثابه یک سیستم منحصر به فرد نگارش یا به مثابه صورت متأخر پرتو-عیلامی شناخته شده بود. برای راحتی امر، در مقاله حاضر این مجموعه متون، عیلامی خطی نامیده می‌شود. با این که یکی از کتیبه‌های عیلامی خطی (متن A=Sb17) مجاور یک متن میخی اکدی نوشته شده است و تصور معمول بر این است که نمایانگر همان متن است و علی‌رغم این که این متن و بیش‌تر دیگر متون عیلامی خطی بیش از یک قرن است که شناخته شده است، تا کنون هیچ رمزگشایی قانع‌کننده‌ای برای آن صورت نبسته است.^۷

۳.۱. تعریف مجموعه عیلامی خطی: معیارهای بیرونی

مجموعه متون عیلامی خطی بر حسب شماری از معیارهای بیرونی تقسیم می‌شود؛ از جمله موادی که این کتیبه‌ها بر روی آن نوشته شده است و نیز دیگر شرایطی که به کشف آن‌ها منتهی شده است. در اوایل کاوش‌های فرانسوی در شوش، یازده شیء که یادبودهایی تاریخی با کتیبه‌های عیلامی خطی بودند، پیدا شد. من این آثار را «متون نمایشی» می‌نامم. هم‌چنین نه متن دیگر که بر روی ابزار معمولی‌تری همچون الواح گلی و مخروط‌ها نوشته شده (به

انضمام متن C که بر روی یک مجسمه آهکی (?) نوشته شده است) در شوش پیدا شده است. من این متن‌ها را «متون غیر نمایشی» می‌نامم.

همه این متون طی کاوش‌های شوش یافته شده است و تقریباً هیچ اطلاعاتی از زمینه باستان‌شناسی آن‌ها در دست نیست. در نتیجه، تاریخ و مبدأ آن‌ها باید با استفاده از دلایل درونی تعیین شود. چنان‌که خواهیم دید، ما مشخصاً در برابر پرسش‌هایی درباره تاریخ و زمینه اشیای غیر نمایشی، مجهز نیستیم.

در طول ۳۰-۴۰ سال گذشته، پنج شیء مکتوب دیگر به خطی که ادعا می‌شود عیلامی خطی است، در بازار عتیقه‌جات بین‌المللی پدیدار شده است. همه این کتیبه‌ها بر روی ظروف فلزی که جنس برخی از آن‌ها نقره است، نوشته شده است. با این که مکرراً ادعا شده یکی از آن‌ها^۸ در منطقه‌ای در مجاورت تخت جمشید یافت شده، تردید پیرامون این یافته‌های غیر قانونی و بخش اعظم این اشیای صادراتی غیر مجاز بر طرف نشده است.^۹ آن‌چنان که گفته شده، یکی از گلدان‌های نقره تازه یافت‌شده، حاوی طولانی‌ترین کتیبه عیلامی خطی شناخته شده است (Mahboubian, 2004: 54-55). متون عیلامی خطی به طور معمول با حروف A تا Z شماره‌گذاری شده است.^{۱۰}

۳.۲. تعریف مجموعه عیلامی خطی: معیار داخلی

این مجموعه متون را هم‌چنین می‌توان بر حسب معیارهای

داخلی تقسیم کرد. متن‌های نمایشی در واقع از دو و گاهی سه متن مرتبط که هر یک شامل چند متن «شبه‌شاهد» است، تشکیل شده است. این شبه‌شاهدان متونی هستند که نه کاملاً، اما در مقیاسی وسیع مانند یکدیگر هستند. متن شبه‌شاهد متشکل از مجموعه نشانه‌هایی است که کم و بیش در قالبی یکسان اما با برخی نشانه‌های اضافی که میان آن‌ها درج شده، تکرار شده است. متن‌های A(Sb 7)، B(Sb 6)، U(Sb 18338)، E(Sb 140B)، C(Sb 87) و قطعه گچی P(Sbnn) دارای متنی یکسان است (شکل ۳ را ببینید: متن A+) با این همه، متن (B، E) از چپ به راست و متون (A، A، B، C، U، P) از راست به چپ خوانده می‌شود و متون (C، U از بالا و متن E از پایین آغاز می‌شود (تنها یک سطر از متن P باقی مانده است).^{۱۱} و. هینتز یک متن ترکیبی از C و E را بازسازی کرده است (Hinz, 1969: 31-33)،^{۱۲} با این حال، توضیح بهتر این است که این دو، متون شبه‌شاهد مجزایی برای A+ هستند (متن I مکتوب بر مجسمه کوچکی [Sb 54] هم‌چنین با A+ هم‌پوشانی دارد). پ. مریگگی (Meriggi, 1971: 188 (§492), pl II) و به دنبالش آندره و سالوینی (متن André and Salvini) (F+), ۱۹۸۹: ۶۱-۶۹) نشان دادند که اشیای G(Sb 139)، F(Sb 155)، H(Sb 140A) و D(Sb 6733) دشوار است، اما نمایانگر یک متن سوم مستقل است (متون A+ و F+ را به طور قابل ملاحظه‌ای هم‌پوشانی می‌کند). ما به طور قطع متون نمایشی را به زمان پوزور اینشوشینک محتملاً معاصر گودا حکمران شهر گیرسو در دوران سومری نو، و اور نمو، نخستین فرمانروای سلسله سوم اور در بین‌النهرین (حدود ۲۱۰۰ پیش از میلاد حسب تاریخ‌نگاری میانه) تاریخ‌گذاری می‌کنیم. برای مثال با قیاس متون شاهد با متن A+ (شکل ۳) می‌توانیم برخی تغییرات شکلی را در قالب فیزیکی نشانه‌هایی که از لحاظ معنایی یکسان است، مشاهده کنیم. متغیرهای شکلی (= نشانه‌هایی که از نظر شکلی تغییر می‌یابد) معمولاً به توزیع زمانی یا فضایی متون بستگی دارد. البته بعید است که این موضوع به ما نحن فیه هم قابل تسری باشد، چرا

که متون نمایشی محتملاً در زمان یک فرمانروا نوشته شده است و به بنای معماری واحدی متعلق است (André and Salvini, 1989). این واقعیت که نشانه‌ها استاندارد نشده است، شاید متضمن این مساله باشد که عیلامی خطی را گروه محدودی مشق می‌کردند و از این رو فاقد سنت نگارش بوده است.

متون غیر نمایشی معدودی که در دست است، به وجود مکتوباتی حاوی همان نشانه‌ها بر روی گل دلالت دارد، هرچند، به شکل وسیع‌تری فاقد هر گونه استانداردسازی است. هیچ مدرکی دال بر فقدان و از دست رفتن منابع نوشتاری در دست نیست، بلکه مکان‌های اساسی باستان‌شناسی به طور کامل و با عنایت ویژه‌ای به اشیای مکتوب حفاری شده است. برعکس، رویکردی که در این تحقیق دنبال می‌شود ممکن است به تقلیل قابل توجه شمار نشانه‌های عیلامی خطی در قیاس با فهرست‌های منتشر شده، منجر شود.

متون غیر نمایشی مجموعه‌ای بسیار ناموزون را تشکیل می‌دهد. برخی متون از جمله O منحصراً حاوی تک‌نشانه‌ها (hapax legomenon) است (هم‌چنین نگاه کنید به متون N، M، L، R که همگی اغلب تنها تک‌نشانه دارند)، در حالی که دیگر متون همچون J اغلب تنها نشانه‌هایی دارد که در متون نمایشی یافت می‌شود. دیگر متون ملغمه‌ای از نشانه‌های آشنای متون نمایشی و تک‌نشانه‌ها است (K). تاریخ‌گذاری متون غیر نمایشی ممکن نیست، اما از آنجا که برخی از آن‌ها تقلیدی از متون نمایشی است، جدیدتر از این متون به نظر می‌آیند.

آن‌چنان که سابقاً ذکر شد، متن O^{۱۳}، متنی منحصر به فرد و حاوی شمار زیادی از تک‌نشانه‌ها در فهرست‌های نشانه‌های منتشر شده است (Meriggi, 1971: 193-203; Hinz, 1969: 44). به طور مشخص این متن یگانه عیلامی خطی نه در تپه‌شهر شوش بلکه در سازه جنوب شرقی شهر پیدا شده است (Scheil, 1935: x and xiv; Meriggi, 1971: §505(192)).

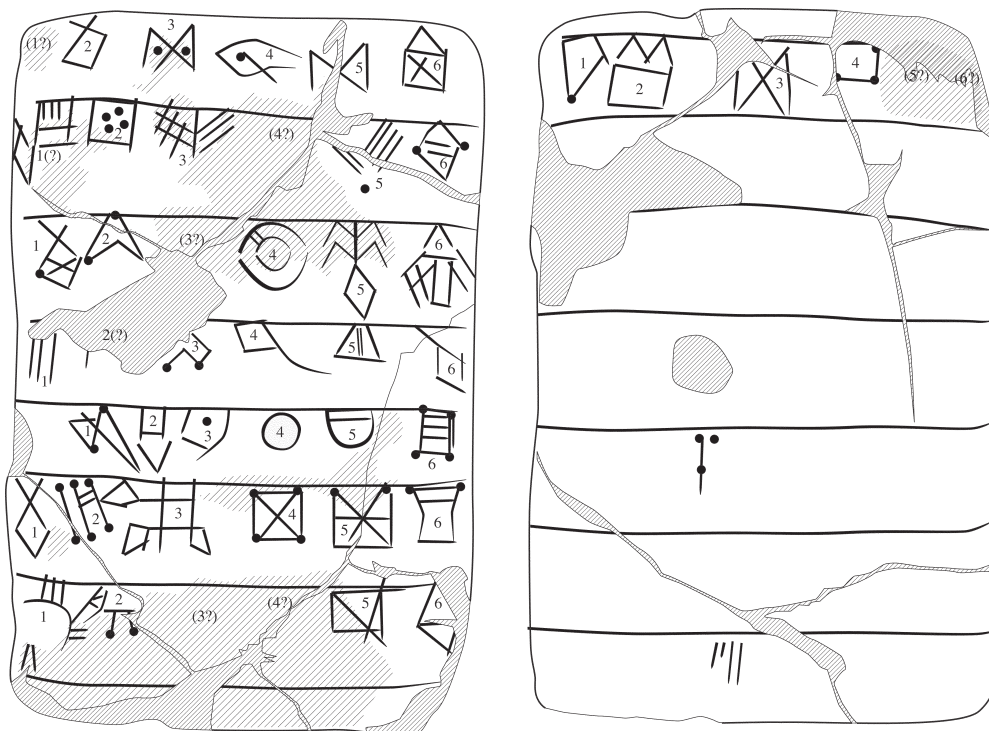
متن O خط‌کشی شده است و هشت (شاید) نه سطر دارد. هفت (هشت) سطر روی کتیبه و یک سطر در پشت آن

قرار دارد. فضای باقی مانده پشت کتیبه خط کشی شده است و فضای کافی برای شش سطر اضافی متن ایجاد می‌کند که در مجموع هفت سطر می‌شود (محتمل است که شش سطر باقی مانده پاک شده باشد). به احتمال زیاد، به انضمام سطر یک روی کتیبه، همه سطور خوانا در اصل شش نشانه داشته است (شکل ۴ را ببینید). بعید است که چنین نظمی در شماره نشانه‌های هر سطر و شماره خود سطور تصادفی باشد. افزون بر این، عدم تکرار نشانه‌ها و عدم وجود این نشانه‌ها در دیگر متون، این پرسش را موجه می‌سازد که چگونه می‌توان این متن را طبقه‌بندی کرد و آن را متعلق به مجموعه متون عیلامی خطی دیگر دانست و چگونه می‌توان

آن را به مثابه متنی معمول با دیگر متون بررسی کرد؟ برخی نشانه‌ها در متن O تشابه شکلی مختصری با نشانه‌های متون نمایشی و غیر نمایشی دارد، با این حال، همه آن‌ها تغییر یافته است. این تغییرات در برخی موارد با افزودن نقاطی به نشانه‌هایی که در دیگر متون عیلامی خطی یافت می‌شود، صورت گرفته است (Scheil, 1935: xiv). هر چند معمولاً متغیرهای شکلی در نظام‌های نوشتاری رمزگشایی نشده، به مثابه نشانه‌های جداگانه تلقی می‌شود، نشانه‌های نقطه‌دار عیلامی خطی غالباً فاقد این خصوصیت است. ضمناً آن چنان که خواهیم دید، متغیرهای شکلی این نشانه‌ها، به گونه‌ای متفاوت با متون نمایشی مرتبط است و نوع دیگری از خط



شکل ۳. متن ترکیبی عیلامی خطی A+. علامت —||— نشان می‌دهد که متن شکستگی یا نقص ندارد؛ جهت نگارش با پیکان‌ها نمایش داده شده است.



شکل ۴. متن عیلامی خطی O (شماره‌های عددی توسط نگارنده اضافه شده است).

نیست.

بنویسد (Basso and Anderson, 1973).^{۱۴}

شبه‌علامات متون غیر نمایشی عیلامی خطی را محتملاً می‌توان نشانه‌هایی دانست که بر اساس نشانه‌های شناخته‌شده و آشکار محدودی که به روی آثار رو به زوال بوده، و یا بر اساس نشانه‌هایی که در نظام‌های مرتبط نگارشی یافت شده، طراحی شده است. هم‌چنان که در خصوص نظام نگارشی که «چروکی سکویا» ابداع کرد، صادق است. ارزش این نشانه‌ها احتمالاً به طور کامل توسط مخترع آن پدید آمده است. نظام سکویا در قیاس با نظام سیلاس جان، با دامنه وسیع‌تری در ساخت خود پدید آمده بود. سکویا می‌خواست یک نظام نگارشی منحصربه‌فرد برای مردمش پدید آورد و یک «نظام نگارشی شکل‌نگار» را به معرض نمایش بگذارد. اما این طرح را وانهاد و یک نظام هجایی با ۸۵ علامت برقرار کرد که بر حسب ویژگی‌های الفبای لاتین طراحی شده بود با این تفاوت که ارزش‌های منحصربه‌فرد و مستقلی داشت (Gelb, 1952: 206-7). این مساله که سکویا از کاراکترهای لاتین برای نشانه‌هایش استفاده کرد، ارتباط آن را برای درک ما

۳. زمینه خط

اگر مؤلفه‌های متشکل خط لحاظ نشود، متون باستانی منحصربه‌فردی همچون متن O، با نشانه‌های غیر معمولش و الگوهای نشانه تکراری، احتمالاً بهتر درک می‌شود و اطلاعات بیش‌تری در خصوص مردمی که آن‌ها را نوشته‌اند به دست می‌دهد. برای مثال می‌توان آن‌ها را به مثابه متونی مذهبی که هیچ ارتباط مستقیمی به یک نظام نگارشی واقعی ندارد، بررسی کرد؛ این موضوع با متون رویای خواب «سیلاس جان» (Silas John) قابل قیاس است. در سال ۱۹۰۴، سیلاس جان، یک شمش آپاچی غربی، ادعا کرد ضمن خوابی، شصت و دو نیایش به همراه نظامی نگارشی برای مکتوب کردن آن‌ها از خدا دریافت کرده است. هر چند نظام نگارشی و نشانه‌های سیلاس جان هر دو منحصربه‌فرد است، بسیاری از نشانه‌ها و خصوصیات را از الفبای لاتین اخذ کرده است. ضمن آن که سیلاس جان خود قادر بود به انگلیسی

از متون متقدم برجسته می‌سازد؛ به این ترتیب که به نظر می‌رسد برخی از آن نشانه‌ها (در متون غیر نمایشی) به شکل مشابهی که در متون معمول نمایشی دیده می‌شود، به کار رفته است.

با استفاده از این همانندسازی‌ها می‌توانیم فرض کنیم که علی‌رغم نگارش برخی متون غیر نمایشی به مثابه کوششی برای تقلید کردن خط متون نمایشی، این متون توسط مردمی پدید آمده است که در زمان‌شان، دیگر حافظه ارزش دقیق نشانه‌ها از دست رفته بود. افزون بر این می‌توانیم فرض کنیم که متون غیر نمایشی به کلی منحصر به فرد و به لحاظ شکلی فاقد هرگونه ارتباطی با متون نمایشی است و چه بسا الفبایی جادویی برای مقاصد مذهبی باشد. تنها دلیلی که امروزه برای گروه‌بندی مشترک متون غیر نمایشی با متون نمایشی وجود دارد این است که این‌ها همه از یک مکان جغرافیایی به دست آمده است.

۴. رفت و برگشت میان نماد و نشانه

بی تردید استفاده از نمادها به نظام‌های نگارشی محدود نیست، بلکه می‌توان نشان داد که سابقه آن به تاریخی قبل‌تر و همراه با نگارش برمی‌گردد. ممکن است این نکته پیش پا افتاده به نظر بیاید که نمادها در مرحله متقدم نگارش وجود داشته است، اما این امری است که هرگز به شکل سیستماتیک و نظام‌مند بررسی نشده است. خوب است این موضوع که چگونه نشانه‌های مفرد از نظام‌های نگارشی به نظام‌های نمادی غیر نگارشی وارد شده است، فهمیده شود. برای مثال، کاراکترهای چینی در نمادهای مالکیتی پیچیده‌ای که توسط چادرنشینان مغول برای نشان اسب‌ها به کار می‌رفت وجود دارد (Waddington, 1974).

هر چند اطلاعات ما مشخصاً محدود است، فرض بر این است که برخی نشانه‌های پرتو-عیلامی نمایش شکلی نمادهایی است که صاحبان آن را مشخص می‌کند (Lamberg-Karlovsky, 1986). هر چند این مساله‌ای است که در حال حاضر نمی‌توان به اثبات رساند، اما به سادگی می‌توان تصور کرد که این نمادها پس از فروپاشی

جامعه‌ای که الواح پرتو-عیلامی را پدید آورده بود هم به کار می‌رفت. محتملاً می‌توان پنداشت که نشانه‌های مشخصی از نگارش پرتو-عیلامی به مثابه نمادهای مذهبی، نشان مالکیت و یا عناصر صرفاً تزئینی، حیات مستقلی را خارج از آن سیستم به منصف ظهور رساند. به دیگر سخن، ۸۰۰ سال بعد، زمانی که متون به اصطلاح عیلامی خطی نوشته شد، دوباره از آن نشانه‌های پرتو-عیلامی استفاده شد. چنین فرضیاتی برای این توضیح که برخی نشانه‌های عیلامی خطی در نظام پرتو-عیلامی هم‌تا و همانند دارد، مفید فایده خواهد بود. با این همه باید به یاد داشته باشیم که قادر نخواهیم بود ارتباط ذاتی میان این دو نظام نگارشی به نمایش بگذاریم.

آن‌چنان که دیدیم، برخی متون عیلامی خطی غیر نمایشی را می‌توان در بهترین حالت به مثابه تلاشی صرفاً در جهت تقلید متون نمایشی دانست، و با این که می‌توان دیگر مسائل را با شبیه‌سازی‌های انسان‌شناختی همچون نظام نگارشی سیلاس جان تشریح کرد، اما می‌توان جسارت بیش‌تری به خرج داد و فرض کرد که متون نمایشی عیلامی خطی نمایانگر نظامی نگارشی با کاربرد محدود است که در واکنش به نیروهای فرهنگی تهاجمی بین‌النهرین سرهم‌بندی شده است و این متون فاقد هر گونه اطلاعات است، بلکه صرفاً پیام نیرومند استقلال فرهنگی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصل مقاله به انگلیسی در شماره ۴۷ مجله IRAN سال ۲۰۰۹ در صفحات ۳۲-۳۱ منتشر شده است. مترجم و دست‌اندرکاران مجله اثر سپاس‌گزاری خود را بابت آنکه نویسنده محترم و مجله ایران اجازه چاپ ترجمه فارسی این مقاله را در مجله اثر داده‌اند ابراز می‌نمایند.
۲. برای مثال، چنان که در Lawler, ۲۰۰۷ گزارش شده است.
۳. برای مقدمه‌ای بر تاریخ حفريات شوش نک: Dyson, 1968
۴. زیر چاپ: Dahl et al.
۵. به جز دو متن ریاضی مدرسه‌ای (MDP 22483 Sb و MDP 26 و 17,328) و (Scheil 1935: no. 362)؛ دیگر متن‌ها در این مقاله با شماره موزه‌ای که در آن قرار دارند (اگر دارای چنین شماره‌ای باشد) مشخص می‌شود و ناشر آن‌ها

Digital Library Journal, no. 1.

- Damerow, P, R. K Englund and C. C. Lamberg-Karlovsky. (1989). *The Proto-Elamite Texts from Tepe Yahya*. Peabody Museum of Archaeology and Ethnology Harvard University, Cambridge MA.
- Dyson, R. H. (1968). "Early Work on the Acropolis at Susa. The Beginning of Prehistory in Iraq and Iran". in *Expedition*, no.10, pp. 21-34.
- Englund, R. K. (1993). "The Origins of Script". in *Science*, no.260, pp.1670-71.
- -----, (1998). "Texts from the late Uruk Period". in P. Attinger and M. Wafer (eds.), *Spaturuk-Zeit und fruhdynastische Zeit, Orbis biblicus et orientalis*. Universitätsverlag, Freiburg; Vandenhoeck & Ruprecht, Göttingen, pp.15-233.
- -----, (2004). "The State of Decipherment of Proto-Elamite". in S.D. Houston (ed.), *The First Writing: Script Invention as History and Process*. Cambridge University Press, Cambridge, pp. I 00-149.
- Frank, C. (1912). *Zur Entzifferung der altelamischen Inschriften*, Verlag der Königl. Akademie der Wissenschaften, Berlin.
- -----, (1923). *Die altelamischen Steinschriften*. Verlag Karl Curtius, Berlin.
- Friberg, J. (1978-79). *The Third Millennium Roots of Babylonian Mathematics I-II*. University of Göteborg, Department of Mathematics, Göteborg.
- Gelb, I. J. (1952). *A Study of Writing: the Foundations of Grammatology*. University of Chicago Press, Chicago.
- Hinz, W. (1969). *Altiranische Funde und Forschungen*. Walter de Gruyter & Co., Berlin.
- Lamberg-Karlovsky, C. C. (1986). "Third Millennium Structure and Process. From the Euphrates to the Indus and the Oxus to the Indian Ocean". in *Oriens Antiquus*, no.25, pp. 209-210.
- Lawler, A. (2007). "ARCHAEOLOGY: Ancient Writing or Modern Fakery?". in *Science*, no.317, pp.588-589.
- Le Brun, A. and F.F. Vallat. (1978). "L'origine de l'écriture à Suse". in *CDAFI*, no.8, pp.11-60.
- Mahboubian, H. (2004). *Elam: Art and Civilization of Ancient Iran, 3000-2000 BC*. Mahboubian Gallery, London.
- Mécquenem, R. (1949). *Épigraphie proto-élamite: Mémoires de la Mission Archéologique en Iran*,

در مقام دوم ذکر می‌شود.

۶. <http://cdli.ucla.edu>

۷. نخستین بار «شیل» آن را منتشر کرده است: Scheil, 1905: 119-21, pl. II
۱۱. هم‌چنین نگاه کنید به Mécquenem, 1949: 5-15، در شکل ۳ از مقاله حاضر به برداشت مشابهی پرداخته شده است.

۸. هینتز آن را منتشر کرده است: Hinz, 1969

۹. نگاه کنید به Potts, 2008 با این همه به عنوان دیدگاه مثبتی در خصوص اصیل بودن «گلدان تخت جمشید»، پاتس تفاوت محتمل در زمان ساخت و کتیبه را ممکن می‌داند.

۱۰. André and Salvini, 1989 و CDLI (<http://cdli.ucla.edu>) تحت عنوان «عیلامی - خطی».

۱۱. برای تحقیقات اولیه با نتایج مشابه نگاه کنید به Frank, 1923: 7 که در 1912: 32 بازبینی شده است.

۱۲. André and Salvini, 1989: 77 ff; Potts, 2008: 179-80, 187-92
۱۳. نخستین بار «شیل» آن را منتشر کرده است: Scheil, 1935: xiii-xiv

۱۴. اگر اصالت الواح جبرفت که در گزارش Lawler, ۲۰۰۷ آمده و یا مواردی که یوسف مجیدزاده در اینترنت اعلام کرده است، به ثبوت رسد، من آن‌ها را با این متون طبقه‌بندی می‌کنم.

کتابنامه

- Andre, B and M. Salvini. (1989). "Reflexion sur Puzur Inšusinak". in *IA* no.29, pp. 53-78.
- Basso, K.H. and N. Anderson. (1973). "A Western Apache Writing System: The Symbols of Silas John". in *Science*, no.180, pp. 1013-22.
- Dahl, J. L. (2005a). "Animal Husbandry in Susa during the Proto-Elamite Period". in *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici*, no.47, pp. 81-134.
- -----, (2005b). "Complex Graphemes in Proto-Elamite". in *Cuneiform Digital Library Journal*, no.3.
- Dahl, J. L, Petrie, C. A. and Potts, D. T. forthcoming. "Chronological Parameters of the Earliest Writing System in Iran". in C. A. Petrie (ed.), *Ancient Iran and its Neighbours: Local Developments and Long-range Interactions in the 4th Millennium BC*, Oxbow Books, Oxford.
- Damerow, P. (2006). "The Origins of Writing as a Problem of Historical Epistemology". in *Cuneiform*

- Central Asia in the Ur III Period ". in Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie, no.98, pp.165-194.
- Scheil, V. (1905). Documents en écriture proto-elamites: Memoires de la Delegation en Perse, vol.6. E. Leroux, Paris .
 - ----- (1935). Textes de compabilité proto-elamites: Memoires de la Delegation en Perse, vol.26-26S. Librairie Orientaliste Paul Geuthner, Paris.
 - Vallat, F. (1986). "The Most Ancient Scripts of Iran: the Current Situation". in World Archaeology, no.17, pp. 335-347.
 - Waddington, C. H. (1974). "Horsebrands of the Mongolians: A System of Signs in a Nomadic Culture". in American Ethnologist, no.1, pp.471-488.
 - vol. 31. Presses Universitaires de France, Paris .
 - Meriggi, P. (1969). "Altsumerische und Proto-Elamische Bilderschrift ". in ZDMG Sp! No.1, pp.156-163.
 - ----- (1971). La scrittura proto-elamica, vol. Ia: La scrittura e il contenuto dei testi, Accademia Nazionale dei Lincei, Rome.
 - Michalowski, P. (1993). "Review: Tokenism". in American Anthropologist, no.95, pp. 996-999.
 - Nissen, H. J and P. Damerow, and Englund, R. K. (1993). Archaic Bookkeeping: Early Writing and Techniques of the Economic Administration in the Ancient Near East. University of Chicago Press, Chicago.
 - Potts, D. (2008). "Puzur-Inšusinak and the Oxus Civilization (BMAC): Reflections on Simaski and the Geo-political Landscape of Iran and